

۵۶ پرچم مبارزه ...

جریان حوادث و برخورد با واقعیات جهرا در موضع حقیقی خود قرار نخواهیم گرفت (۱)

بسیار خوب، مادم با این رفیق در اینجا موافقم و همراه او این سخنان را تکرار میکنم. اما با این تفاوت که جریان حوادث و برخورد با واقعیات بالاخره نشان داد چه کسی صلاحیت کاندیدی برای خود قائل میشود و چه کسی باید در مواضع درست خود ش قرار بگیرد. بعلاوه اینکه جریان حوادث و برخورد با واقعیات نشان داد که بسیار کسان هستند که چیزی را میگویند... بسیار هم با ططنه و آب و تاب میگویند اما معنا و صدای واقعی کلمات خود را نمیفهمند. اما استدلال مرحله اول تئوری ایشان هنوز ناقص است. ایشان علاوه بر این دلیل یعنی غرور و بلند پروازیهای ذهنی در گذشته و حال دلیل قاطع و برآی دیگری نیز ارائه میدهند. این دلیل که برای تبیین و تحلیل علل شکست حتی یکسره صد ساله مبارزه ما نسبتی به شکست! کافیست.

۵۷ پرچم مبارزه ...

۲- دلیل دوم عبارتست از: عدم صداقت سازمان و رهبری آن. ایشان میگویند... اینها و کثکی که در کارها دیده میشود در واقع نه ناشی از ابهام استراتژیک است بلکه علت آن نرسیدن به هدفهای مرحله ایست که البته ناشی از عدم برخورد فعال... و بیشتر از همه مسئله موضعگیری صادقانه "ما" با این ضعفهاست... باین ترتیب و با ارائه این دلیل یعنی با طرح مسئله عدم موضعگیری صادقانه سازمان در واقع ایشان تارا از هرگونه احتجاج تئوریک بهیاز ساختند... چرا که بحث از صداقت یا عدم صداقت یک سازمان انقلابی دیگر مقوله ایست که دقیقا به ماهیت طبقاتی آن سازمان و تبعاً ماهیت طبقاتی امید فولوی آن بر میگردد... و این مسئله ایست که نه در حرف بلکه در عمل مشخص میشود... به همین جهت ما نیز آنرا به جریان آینده موکل کردیم... آینده ای که بشود نشان داد مفهوم واقعی عدم

موضعگیری صادقانه، صداق واقعی اثر را در کجا باید
بیابند !!

اما بهترین مرحله سوم تئوری ایشان که بدلیل
آنکه صفرای " طرح مسئله استراتژی " و کبیرای
" نفی صلاحیت و صداقت سازمان ورهبری آن "
را پشت سر گذاشته و نتیجه کار و مقصود اساسی
نویسنده را بدست میدهد از جالبترین قسمت‌های
آن بشمار می‌رود. شامل چه موارد و حاوی چه نکاتی
است ؟

در واقع بررسی همین مرحله از استدلالات -
ایشان است که هدف اصلی از طرح مسئله ابهام
استراتژیک در صدر انتقاد و بعد طی مرحله دیگر
اثبات غرور . . . و اصولا هدف اصلی از نوشتن
این انتقاد را روشن می‌سازد .

ایشان مینویسند : " حال آنکه اگر کمی بیشتر
بواقعیتهایی که در ذهن سازمان میگذرد توجه
کنیم و حماس شویم بنظر می‌رسد ابهام استراتژیک

باین پیچیدگی‌ها می‌که در ذهن ماست مطرح نباشند .
ایجاد چنین معاشی () شایستگی از عد متوانایی
ما در حل پروانیک مسائلی است که در چشم اسناد از
هر خط مشی که در نظر گرفته بشود حیاتی ترین
آن بشمار می‌رود " اما این چه مسأله‌ایست که بنظر
ایشان پرداختن به آن در چشم انداز هر خط مشی
ای حیاتی است ؟ ایشان جواب فوری و ظاهرا قاطع
ارائه میدهند : " روشن است که زمانیکه
ما نتوانسته باشیم يك انسجام سازمانی (وحدت
ایدئولوژیک ، وحدت سیاسی (حداقل) و وحدت
سازمانی) که در واقع زمینه مادی رشد استعدادها
افراد و ارتقا سازمان خصوصا از نظر آموزشی است
به خود بدسیم ، نخواهیم توانست يك خط مشی
طولانی که دیگر در آن دچار ابهام استراتژیک
نباشیم داشته باشیم " .

آنگاه برای اینکه اثبات کنند تئوری " انسجام
سازمانی " که گویا از طرف ایشان ابداع شده و چاره

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

کار در رسیدن به وحدت ایندولوپیک است و حساسات
سیاسی و ... استوار دیگر جای چون و پورا نشی
باقی نیست . و با لحن پر آب و تاب و عجولانه
گوید که مشکلاتی پیدا کرده باشد و اینطور گسه
گویا می باردی را سر بزنگاه کرده عوار او افسردگی
میخواهند میگویند % اگر واقعا اینطور هستند
که دارای انسجام تشکیلاتی نیستیم -- بگوئیم
نیستیم . اگر اینطور نیست که با فائقه یک خط
مشق آموزشی واحد که از جمع بندی تجربیات
گذشته بر آمده باشد هستیم بگوئیم فائقه آن
هستیم -- اگر وحدت یکپارچه ایندولوپیک در زمان
زمان حاکم نیست بگوئیم نیست . اگر روش حساسات
راحت طلبی و خردانه روزگاری و ضعفهای ناشی

ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

از آن حاکمیت مطلق احساسیت نشان دهیم . . .
و سپس در یک جمله کوتاه و در یک نتیجه گیری کلی
استراتژی مرحله ای سازمان را تعیین کرده و آن
کمپهای مسافت اکسیر حیات بخش را به کمپه
گشتگان راه و سرگشتگان وادی " ایهام استراتژی -
یک " عرضه می دارند : " استراتژی ما را فعلا همین
ها (رسیدن به انسجام و وحدت) به علاوه یک
کسترس بسیار محدود که گشش آنرا داشته
باشیم تشکیل میدهد . " . عجب ! دیگر این همه
نوع پیوسته است ! چگونه شد ما یعنی یک سازمان
با تمام ید و بضایش ، با تمام آن جلسات جمعی و
جدو بحث ها و جمع بندی بها و ضربه خوردنها و
ضربه زدنها و . . . همچنان در وادی " ایهام
استراتژیک " سرگردان شد اما ایشان بیکاره ، فارغ
از همه این ها بهویها و مبهتر فارغ از همین سو
گردانها و ایهامات همین سازمان ، بهتابه بسک
ندوی برتد و فری آن ، مشهور رهائی و برات آزادی

این بردگان و امانده در ظلمات را صادر فرمودند
یارب مددی! شاید ایشان با عالم غیبی و فرشتگان
مقرب ارتباط دارند و با این عنصر سومی! است
که به " ناتوانی " ما رحم آورده و بقصد نجاتمان
در وجودنا یمنان حلول کرده! یک عده (از جمله
خود ایشان) نکوشیده رسیدند بمقصد جمعی
(از جمله خود ما!) سویدند و بمقصد نرسیدند!
و اما بعد، این مرحله هنوز باره خط مشی
ابداعی! منتج در آخر انتقاد، خاتمه پیدا
نمیکند، ایشان با اطراف خاص یک جواهر توان
تئوری خودشان را با ذکر امثله و نمونه های کافی
از انحطاط و ضعف سازمان برای میسازند و
بخصوص آنجا که منظور واقعی ایشان از انسجام
و وحدت ایندولوزیک و مبارزه با روحیات ضد
انقلابی و از پس برده استمارات قبلی
بیرون میافتد و با لحن باصطلاح تهدید آمیز و
آمرانه ای پیشنهاد میدهد: " مبارزه ایدئولوژیک

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

لویزیت همانطور که بیان رسیدیم از بالا به پایین
خصوصا تاکید میکنم از کادرهای بالا (در شاخه
ها) جریان پیدا کند. برادران عزیز: اینرا
توجه داشته باشیم که (!) گناه هرکس را اگر
بتوان بختید از گناه آگاهانه مرکزیت و کادرهای
بالا نمیتوان گذشت. گناه آگاهانه از اینجهت
میگویم که راه نه چندان ابهام آمیز بلکه روشن
است و هرچه بیشتر برخورد و موضعگیری صادقانه
میخواهد . . . افرادی که در مرکزیت هستند موضع
خود را در صدد وقتیکه در گروه میگردانند روشن کنند
تا ابهامی پیش نیاید جلساتی تقریبا هر
سه ماه یکبار از افراد شاخه هاتشکیل شود که هم
به اصلاح سبک کار و نارساییها و تبادل و برخورد
فکری بپردازد هم از مرکزیت در قبال وظائف
هماهنگی و مسائلی که به ترتیب مربوط به کار اصلی
سازمان میشود حساسی شود (۱) . . . مرکزیت

بیان کار سه ماهه خود را بعد از خاتمه آن
بخط خود در جمع صادقانه بررسی کند . . .

(۱) این پیشنهادات آدم را بیاد تشبیه
"دوگانه تهم و سبع" اکتویستیهای تورست مآب
سالهای ۱۰۰ روسیه میاندازد که هنگام با رفتاری
پرنشتمنی خود میگفتند: لازم است که تصمیمات
کمیته از همه محفلهای بگرد و فقط بعد از آن سه
صورت تصمیمات حقیقی در آید" (سوابق) =
آزادی ارکان سوسیالیستیهای انقلابی شماره ۱ ص
۹۷ نقل از صفحه ۱۵۰ چه باید کرد) در واقع
و تئیکه این انتقاد در جنب شرایط جاد پانیمسی
تجمع افراد شاخه هارا در یک جلسه مشترک بجای
مشور و آت تئوری روح و مسخره ای که در شرایط
پنهانگاری روسیه "دوگانه تهم و سبع" را به حزب
پیشنهاد میکنند هر دو در پیرو واحدی شریک می
شوند که همین تحت عنوان یک اصل سازمانسی

ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

فکر میکنم دیگر احتیاج به توضیح این مرحله از

"خون ظاهر" اما ساده لوحانه، و قبیح مسخورد
انتقاد قرار میدهد. وی می نویسد "حاج محمد حسن
جریان (مسئله دموکراسی پیشنهادی را) را در
چهار چوب رژیم استبدادی ما در نظر آورید. آیا
این امکان پذیر است که در کشور ما هم "کمانیکه
اصول برنامه حزب را بپذیرند و بقدر قوه خود از
حزب پشتیبانی نمایند" حق داشته باشند هرگاه
که یکسفر انقلابی صغری بر میدارند نظارت کنند؟ همه
آنها از بین این انقلابیون صغری فلان یا بهمان
را انتخاب نمایند و حال آنکه شخص انقلابی از
نظر مصالح کار ملاحظه است شخصیت خویش را از
نهاد هم این "همه" پنهان دارد؟ اندکی در معنی
حقیقی کلمات بر طعنه ای که "راه چوبه دلور" ارکان
اکتویستیها (پیکار میبرد) همینطور در پیشنهادها
دات بلند بالای رفیق ما) وقت نمائید آنوقت

خواهید دید که "بموکراتیسیم وسیع" سازمان حزبی
بر ظلمت استبداد و بر شرایطی که دست چپین
کردن اشخاص از طرف ژاندارها رایج است فقط
یک بازچه پیچ و زمان بخیشی است . . . بسیاری
آنکه تمام زشتی شیوه مورد پسند "رابوچیہ دلو" را که
دوست دارد "اصل" خوب ظاهری نظیر "بموکراتی-
تیسیم" در کار انقلابی راهش بکنند (بازهم مقایسه
کنید با روشهای بموکرات منبشانه این رفیق آنجا
که خواهان کنترل و حسابرسی مرکزیت باشیوه همای
کدائی فرق میشود) بخواننده نشان ب همیم بازهم
به شاهد متوسل میشود . . . ما از خواننده میبرسیم
"آرژو پار" (دیوان دآوری یا چیزب شبیه بکمیتسه
تصمیم گیری که اجبارا مورد قبول قبلی اکثریتست) یا
قرار گرفته بود) با تمایلات ضد بموکراتیک (اتها
که به لندن و گروه وابسته یار میزند) چه تفاوتی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دارد ؟ مگر واضح و روشن نیست که اصل سازمانی
"خوش ظاهر" "رابوچیہ دلو" نیز عینا همین
گونه (مطابق اقرارات قبلی آنها) هم سانه
لوحانه و هم وقیح است . سانه لوحانه است زیرا
تأموقمیکه "رفقای اطراف" بعقل و اندرزی و وفاداری
آنها اعتماد نداشته باشند هیچ کس بحرف "آرژو-
پاژ" یا اشخاصی که "تمایلات ضد بموکراتیک"
دارند گوش نخواهد داد . قبیح است زیرا این
رفتار عوام فریبانه است که از شهرت پرستی یک
دسته از عدم انتقاد دسته دیگریه احوال حقیقی
جنین ما و از عدم آمادگی و آشنا نبودن دستسه
سوم بتاریخ جنبش انقلابی سوء استفاده مینماید
. . . (متنخده از صفحات ۴۶ - ۱۴۸ سو ۱۵۰
چه باید کرد در ترجمه فارسی - توضیحات داخل
گروه و پدانتر از آن ماست علامت یک خط تا کوسید و

فرصت طلبانه سوء استفاده از عداقت و تقصا و سازمان رهبری طلبی و حقد و حسد خرد بصورتی

گیومه ها از لایس و د و خط تأکید از ما است .

راستی که تاریخ پدر پسر و با تجربه ایست . آنچه که امروز یاد آور آینه می بینیم او بخوبی در خشت خام می بیند . این آینه همچنین باید ننگ دیگری را که شاید کم اهمیت تر از تدافعی اولیه نباشد برای ما روشن کند و آن اینکه چرا چنین شباهت های فراوانی بین مقاصد و شیوه های عمل و نظایر یک جریان انحرافی دیگر در یک سازمان کوچک با همین مقاصد و شیوه های عمل و در یک جریان انحرافی دیگر در یک حزب نسبتا وسیع در پیش از هفتاد و اند سال پیش بوجود بیاید ؟ صرف نظر از آن عمو میاتی که در هر جنبش انقلابی وجود دارد و طبیعتا بروز چنین مسائلی را در اشکال تقریبا متناسبه ممکن الوقوع می سازد و صرف نظر از آن پایه های

دروشکل مبتذل ترین شیوه های تحریف و تحویب

ایدئولوژیک منحرفی که مبنای انحرافات سیاسی - تشکیلاتی از این نوع را فراهم می سازند ، بطور خاص وجه مشترک این دو جریان را شاید بیشتر از هر چیزی در آن گرایش ضد تمرکز آنا رشیستی ، لیبرال مسلکی که هم در اکتور میشتها ، هم در آنا رشیست ها (حتی علیرغم همه اختلافات و سپهمنان با هم) هم در چنین گرایش انحرافی در سازمان موجود بود باید جستجو کرد . در اینجا منافع همه آنها بهم پیوسته می خورد .

آنجا اکتور میشتها و سوسیال ریو لیونیونها علیه مرکزیتی مبارزه می کردند (البته در کردار نه در گفتار !) که لندن مشتاقانه در صدر ایجاد و تحکیم آن در سراسر جنبش سوسیال دموکراسی روس بود و اینجا در ایجاد بسیار کوچکتری رفیق صا نیز علیه مرکزیتی علم طغیان بر می افرازد که

برآنگندن تضمین اعتمادی ویاس - اشاعه نظرات
 و شیوه های احزاب بورژوازی، و بالاخره انتساب
 ظلمی و دسته بندی از سرپای گله به گله
 آن به شام میرسد. در اینجا دیگر ماهیت این
 انتقاد و چهره واقعی اش روشن میشود. او واقعا
 چه میخواهد و چه میخواهد بگوید. او سعی میکند
 بطور ضمنی نتایج ما عموما بحث جمعی و دست
 آورد های مستقیم سازمان را ناشیانه اما بسا
 زونگی یک فرصت طلب عیار، بخود نسبت
 دهد. او مسائل و بحث های که ماهها با صداقت
 و دلسوزی از طرف رفقای شرکت کننده در جمع
 های انتقادی دنبال میشد و نتایجی کسبه
 زده از آن از خون دهنها رزمند صادی خلق
 مایه گرفته است با جملات فریبکارانه، با نظرات
 درخواستی است تا ایلات فردی، گرایشات رهبری
 طلبانه ایشانرا مورد قبول قرار دهد.

غیر صادقانه، و با امیال و آرزوهای مبتذل خرد -
 بورژوازی خویش طوط میسازد.
 در واقع چنین کسی علی رغم هایپو پیها و گمنده
 گوشها، بهیچوجه نمیتواند منعکس کننده نظرات
 و دست آورد های سازمان را ارئه دهد و طسیرین
 راست و شیوه درست کار باشد. چرا که او خود از
 اولین شرط لازم آن، یعنی داشتن موضع صادقانه
 در برخورد با وقایع و پدیده ها، برخوردار نیست.
 بهیچجهت نیست که ما علی رغم شرکت مستر این رفیق
 در تمام جلسات بررسی و بحث های انتقادی و علیرغم
 آموزش و تجربه نسبتا مساعدی که از آن بهره برده
 است بجز بانکه پاره های تحریف شده ای از برخی
 صحبت ها و نظرات که آنها را با شائبه منافع و تنگ
 نظریهای فردی آلوده نموده و با لعاب شعارها
 و اصطلاحات توخالی سرهم بندی شده است بسا
 چیز دیگری روی نمیستیم.
 استنباط این رفیق از مرحله مبارزه ایدئولوژیک

وانسجام تشکیلاتی، چیزی است در حده این
ضرب الضل که تا "تنوع" است باید نشان را
چسباند. ایشان نیز فکر می‌کنند در بحبوحه
مرحله بحرانی انتقادی، در بحبوحه شرایطیکه
سازمان در عبور از مرحله وسطای انتقادی بسوی
وحدت بالاتر، طبیعتاً با بحرانیات و ناعادلیمها
روبرو است و تنوع تضادها و انتقادات گسرم
است با گرفتن موضعی چپ و نظامی قاطع
و با شهید نغاشی و وجهه سازی و برگرداندن
خوبه نیز مبارزه ایدئولوژیک همست. موانع را همشان
نان ریاست خواهی، رهبری طلبی و . . . هزار
تغایل پنهان و آشکار خود را به تنوع سازمان
بچسباندند.

ما در انتقادی که در همانموقع برای این
رفیق نوشتیم اصطلاح دیگری بکار بردیم که آنهم
نشان دهنده همین هدف بود. در آنجیا
گفتم: آب را ک آلود کردن و آنگاه ماهی آرزو را

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

صید کردن" این اصطلاح با مصداقی بود. اصلاً
اکنون يك اصطلاح دیگری باید بکار ببریم و آن
از هول حلیم نوی دیک اقتابن است. "رضی ما
نیز واقعاً از هول حلیم نوی دیک اقتاب. اوستگی
را بلند کرده بود که برکله سازمان بگوید اما سنسکه
روی پای خودش اقتاب. او "برادران عزیز! را
هندار میداد از مبارزه ایدئولوژیک میترسانند و
میگفت "اگر بتوان از گناه هرکس گشت از گناه
آگاهانه مرکزیت و کارهای بالا نمیتوان گشت. . .
چرا که راه نه چند ان ابهام انگیز بلکه روشن است.
و فقط برخورد صادقانه میخواهد و . . .
اما ایشان هرگز فکر نمی‌کرد (و این خصلت کلیه
نیروها و تفکرات ارتجاعی است که نمیتوانند نهایت

(۱) از این قبیل مظلوم نماییها در مورد خود و سه
رنگهای تیره و نارعدم صداقت و . . . آلودن حتر!
در تمام طول نامه انتقادی بکرات مشاهده میشود.

پروچم مبارزه . . .
 زوال یابنده و عاقبت کار خویش را در دست کنند که
 لبه تیز مبارزه اید فولزیک باید به سخود ایشان بر-
 گردد . عدم صداقت خود ایشان روشن شود و گناه
 آگاهانه ایشان مورد بحث و تجربه سازمان قسار
 گمردد .

محدوده استنباطات این رفیق از مبارزه اید -
 فولزیک و مرحله کار درون تشکیلاتی ، چنان کوچک
 و تنگ و مشروط به منافع فردی بود که نمیتوانست
 ابعاد حقیقی و روبه گسترش این مفاهیم را درک کند .
 این رفیق همچنین بعد از نوشتن انتقاد اثر ،
 چنان از باره پیروزی خیالی مست شده بود که بارها و
 بارها به سازمان همدار داد و سازمان را بمنافین
 گوناگون مورد تهدید و فضا رگد انت و در شرایطی
 که انبوهی از مشکلات و کارها در مقابل قرار داشت
 مصرا نه جواب انتقاد اثر را مطالبه میکرد او خام
 خیالیانه تصور مینمود سازمان را با انتقادات به
 اصطلاح غلاظ و شدادش ترسانده و رهبری آن

پروچم مبارزه . . .
 را تا آنسوی مرزهای عدم صداقت و . . . عقب
 رانده است ! او تصور مینمود بری نظراتش قضای
 نیره و نار سازمان را بیکباره روشن ساخته و تپسنزی
 نه هن و قدرت اراده و تفکرش در مقابل ضعف و نا-
 توانی مسئولین سازمان ، همه را به تحسین و تکریم
 وار داشته است ! هر چند بیصبرها و سراسیمگیهای
 او درین دوران ، و حالتهای مضطرب ، منتظر و مملو
 از چپ نمائشهای کود گانه ای که بروز میداد از مبارزه
 ای درونی و ترویجی در وجود او نشانی میداد
 که از عدم اعتماد به عاقبت کار از تنویسش نسبت
 به چگونگی برخورد متقابل سازمان و اصولا از عدم
 ایمان کامل به راهی که در پیش گرفته بود و منشا
 میگرفت ولی بهر حال او تصمیم خود را به اصرار بر
 روی چنین راه خطائی گرفته بود . در واقع او
 جاده خیالی را هموار شده و ماهی آرزو را در حال
 صید میدید . از اینجهت چنان در خیالات و
 رویاهای خوش خود غرق شده بود که قصد داشتیا

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

توسل به زشت ترین شیوه های ضد انقلابی معمول
 در احزاب بورژوازی جمع را مقلشی ساخته و تعابلات
 خود را بر سازمان تحصیل نماید اما شیوه های او به
 طور خاص چه بود ؟ در واقع این شیوه ها چه چیزی
 جز همان شناخته شده ترین تاکتیکهای عمومی این
 گروه و جدا از میانی منحرف ایدئولوژیک آنها نبود !
 او بی محابا به اختلال و کار شکنی در کار گروه می-
 پرداخت . او به نرات با عدم اعتماد و لجابیت خاصی
 با مسئولین و سازمان برخورد میکرد . - عامل ۱ - موارد
 اختلاف را به حالت تعارض در میآورد و بحثهای
 غیر اصولی و وقت گیری را به جمع تحویل میکرد . او
 پیشنهاد میکرد عنصر بیطرف (۱) و قاضی عادل (۱)
 برای رسیدگی به اختلافات او و گروه به جمع دعوت
 نمود ! (۱)

(۱) معنای حقیقی این " عنصر بیطرف " و " قاضی عادل " که مصرا در خواست میشد چه بود ؟

اواشکالات فرعی و نواقص جزئی را در مقابله
 اساسیترین وظائف روز سازمان علم میکرد . در روش
 مبارزه با غرور و پاترنالیسم، لیبرالیسم و هیچ و مرج را

این رفیق بنا هماهنگیهایی که از دوران بحرانی بر-
 خورده نظرات و استنباطات کج و معوجی که از مرحله
 مبارزه ایدئولوژیک بنفع خود دانست میخواست از این
 تضادها سو استفاده نموده یا کنانند این بحثها
 به میان جمع مرکزی و یا احیانا به میان بعضی از انصای
 کادر مرکزی (به عنوان قاضی عادل . . .) وحدت
 نسبی و تازه رویه قوا و مرکزیت را در آن شرایط بحرانی
 (که مشخصه آن مبتدی بودن ما و بی تجربگی فراوا-
 نمان بود) متزلزل نماید تا شاید ازین طریق بتواند
 در موضع مناسب تری دست و پا کند . در واقع این
 رفیق که اکنون در جمع جدیدش بازار را برای فروش
 جنسهای بنجل خود کساد میدید در فکر مشتریهای
 جدیدی در میان اعضا دیگر کادر مرکزی بود ؟ حتی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

تجلیح میکرد . او نه تنها بدعت مکرر مسئول گروه به بحث سازنده جمعی و تخفیف و حوصله بیشتر در کارها به تاکید بر ضرورت ناگزیر حل مشکلات گروه از طریق تشاور انتقاد از خود سازنده بوقعی نمیگذراند و نه تنها به خطوط تابناکی که از حل مسائل و مشکلات کسار در آینده رسم میدهد بی اعتنا بود بلکه علنا و چندین بار به تشنه‌ها انحلال و برهم زدن جمع را مطرح کرد . او میگفت تضادها و اختلافات ما حل نشدنی است . و باید این جمع منحل شود (۱) . . . و الخ

شماره ۱۱

عملا یکبار تحت حملهای فریبنده‌های مستقیما پارسیس دیگری غیر از مسئول گروه تماس گرفته و شروع بگفتگو شد . (یاد کرده بود) . این تفکر حسا بگرا نه بخصوص زمانی به اوج خود میرسد که دیگر احساس میشود عسری صه شدیداً بر او تنگ شده است و لذا پیشنهاد گذاشتن " انحلال جمع " را مطرح میسازد .

اینها بود انعکاسات عملی و ماهیت واقعی آن انتقادات . ماهیت آن اندوזהای پدران (۱) و آن هندی‌ها برادرانه (۲) و ماهیت انتقاداتی که میخواست سازمان را به حل پراتیک مسائل رهنمون شود (۳) چنین بود چهره واقعی اپورتونیسیم چپ نمایی که نقابش افکنده شده بود !

در چنین شرایطی ، سازمان چه میتواند انجام دهد ؟ و موضع ما در مقابل چنین جریان نادرست ، در مقابل چنین انتقادات فرصت طلبانه ای چه میتواند باشد ؟

ما در برخورد متفاوت از دو زاویه جداگانه که در عین حال در ارتباط باهم قرار داشتند و در مجموع هدی واحدی را دنبال میکردند با مسئله در پیسن گرفتیم .

برخورد اول ما عبارت بود از حل موضعی فرزی و خاص مسئله . و برخورد دوم عبارت بود از حل دراز مدت زیر بنایی و عمومی مسئله ، مستقل از این یا

آن مورد خاص اما اتخاذ یک سیاست دوگانه برای
مقابله با چنین جریان انحرافی آمیزی بیهوده معنا
بود ؟ این مسلم بود که زمانیکه با تلافی نظرات
پوسیده و ارتجاعی و شیوه های غلط کار موجود در
تفکر و عمل سازمان خشکانیده نمیشد ما همپیمان و
حتی بیشتر از پیش ، با باد های متعفن و حشرات
مسموم کننده ای روبرو بودیم که تاکنون سلامت
و ثبات این جسم و روح سازمان را مورد تهدید خود
قرار داده بودند . اما مقابله اصولی و زیربنایی با
چنین نیروهای مخرب و مسموم کننده ای مقدّمات
معالجه موضعی و فوری بیمار و ترمیم و تقویت است -
نی نیروهای زنده و رشد یابنده سازمان را ضروری
می ساخت به همین جهت ما بدنبال سیاست اول خود
نامه انتقادی این رفیق را در برخی از جمع ها سه
بحث گذارده و متقابلا طی جمع بندی مختصری ،
نقطه نظرهای این رفیق را بطور خاص مورد انتقاد
قرار دادیم . (۱) . اما مهتر و اساسی تر برای ما

همانطور که در همان زمان در انتقاد جوانیه سازمان
مذکور شدیم ، ایجاب در آن شرایط مساعد آموزشی و مسا
زمانی بود که بطور زیربنایی به ناهوی و نفی کامل
زمینه های بروز و ظهور این گونه گرایشات انحرافی
آمیز بمانجامد . مسلما در چنین جریان متلاطمی از
مبارزه ایده‌ولوژیک ، از مبارزه فعال بدون تشکیلاتی ،
بسیاری از کسانی که بر پایه عناصر مشخصی از صداقت
انقلابی حاضر به اصلاح خود و نظرات و شیوه های
غلط کار خود بودند ، میتوانستند به امضاء آرنشده و
قابل اعتمادی تبدیل شوند و آن ها را از عناصر متزلزل
و ضعیفی که علیرغم آگاهی به ضعفهای عمیق درونی
خود حاضر به اصلاح خود نبوده و در خورد فعالی بسا
آن تفکرند ، با آن دسته از سخت سرانی که بسبب
مواضع ناصحیح و غیر صادقانه خود خیره برانه اصرار

(۱) این انتقاد در پایان همین مقاله بدنبال انتقاد

بات این رفیق مطالعه نمایند . (۱)

موریزیدند / خود بخود از صحنه عمل و فکر سازمان حذف می شدند .
خوشبختانه رفیق نویسنده انتقاد جزو آن عده از رفقای بود که توانست با بهره گیری از شرایط مساعد آموزشی و اعتبار دارا بودن پایه های مشخصی از صداقت انقلابی به تصحیح برخی از مهم ترین نقطه نظرهای انحرافی خویش نایل آید .
این سخن ما فقط براساس انتقاد از خودی نیست که این رفیق در همین اواخر از خود بعمل آورد (۱) بلکه بیشتر بخاطر مشاهده عینی تحریکات بسیار مثبت و قابل توجهی است که این رفیق در طی یکسال شرایط آموزشی اخیر و بعد از برخورد انتقادی سازمان با او از خود نشان داده است .
انتقادات سازمان به همراه شیوه های زیربنایی

(۱) انتقاد از خود این رفیق در پایان این مقاله و بعد از انتقاد جوابیه سازمان ملاحظه خواهند کرد .

تر آموزشی هم چون ضربه سهمگین بود که بگذشت خود این رفیق ، او را از خواب گران بند ازهای ذهنی و تمایلات فرصت طلبانه بیدار ساخت .
این ضربه اگر چه دردناک بود و جسم روح را میآورد اما مخصوصا به همین دلیل ، که درست نقاط حساس وجود را مورد حمله قرار داده بود .
توانست باین رفیق کمک کند تا با شناخت دقیق نیروهای متضاد درونی این مبارزه سازنده ای را در درون خود و در عرصه پراتیک فعال سازمانی آغاز کند .
این مبارزه اکنون نتایج شگونی به بار آورده است و ما شکر آنرا در عمل تنازمانی و در احساس مسئولیت بیشتر این رفیق و موضع گیریهای متعادل تر سیاسی وی آلاین تر آید گولوزیک او مشاهده میکنیم .
البته این بدان معنی نیست که کوششهای مجدانه این رفیق در جهت تصحیح و تفسیر خود و نقطه نظرانش باید پایان پذیرد و با آنگذ آن کاشته شود .
بنظر ما این رفیق هنوز میتواند مدد ان های بسیار وسیعتری از صداقت انقلابی ،

در راه آزادی طبقه کارگر

از احساس مسئولیت تشکیلاتی و روحیه فعال جمعی را به تسخیر خود بر آورد . (۱) و مطمئن باشد که سازمان با تمام نیروهای ممکن خود ، همراه این رفیق و تمام رفقای دیگری خواهد بود که برای اصلاح زمین و مردم بکوشند . زمین به مجاهداتی صادقانه برسد باز برده اند .

از طرف دیگر و با یک دید بر از مدت تسخیر نتایج سازمانی مبارزه با فلولوزیک تاکنون : طوسی چنین جریانات انتقادی ای بر درین سازمان ، علیرغم مشکلات و اختلافاتی که عمدتاً در جهت کندی و تاخیر یک سلسله از وظائف دیگر سازمانی به بار میآورد ولی در مجموع بدلیل جریان خون تازه و بیگانه که وارد تن سازمان میکند و بدلیل اینکه

(۲) نگاه دیگری به انتقاد از خودی که ایمن رفیق در این اواخر از خود بعمل آورد ضرورت این

ارشیدو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

چرتومه های فسادتو با همی آید فلولوزیهای غیرانقلابی در این جریان مورد شدید ترین حملات ناپود کنند ه انتقادی قرار میگرفتند ، قویترین عوامل رشد و نمو فعال و سالم را برای سازمان فراهم میآورد . ما نیز درین جریان انتقادی یعنی در جریان میارزه با گرایش انحرافی سوم هرچند دچار مشکلات و تاخیراتی

موضوع را بخوبی نشان داد . درین انتقاد از خود به تحلیل علل و ریشه های تاریخی این اشکالات در وجود این رفیق و کار رفت آنها در هر مرحله از حیات سیاسی سازمانی او اثرات مخرب و نمونه های مشخص آن و همچنین بسط و تعمیق که این انحراف را از یک مورد جزئی خارج میکند . به چه وجه توجیه نشده است . بنظر ما این بی توجیهی نمیتواند در عین حال رابطهای با عدم درک عمیق انتقادات متقابل و ماهیت اساسی نقطه نظرهای خود همین رفیق نداشته باشد .

شدیم که گاه هفت میشد از يك سلسله هدفهای فرضی خود صرضتو کنیم ولی در مجموع نتایج بسیار قابل توجه و مثبت برایمان ببار آورد. درین دوره بسیاری از شیوه های نوین کار تشکیلاتی، شیوه های جدید انتقاد و انتقاد از خود، شیوه های درستتر طرح و حل مسائل امضاء، شیوه های کنترل و اعمال مرکزیت . . . و معیار های محکمتر و قابل اعتمادی در تحلیل و تشخیص مسا- فل و پدیده ها . . . توانست جای خود را در سا- زمان باز کند (۱) .

از گانهایی که توانسته بودند یک دوره انتقادی ازین مقوله را بسلامت و با موفقیت بانجام برسانند اکثر میتوانستند با استحکام و اعتماد بسیار بیشتری از گذشته بانجام وظائف سازمانی خود و بخصوص حسل مشکلات آینده، کار مبارزه با انواع دیگر گرایشهاست انحرافی، بیسر ازند . . . ببیان دیگر طسواين

(۱) درین موارد توضیح مسئولین برای روشن شدن مفاهیم این نتایج بانکر نمونو شها و اسناد بسیار از دستیاران

دوره انتقادی نه فقط توانسته بود به تشبیه سمرات مثبتی در جهت تصحیح نظرات و انصافا بر برخی از رفاها بیانجامد، بلکه چنین تغییرات مثبتی در عسل و اندیشه این قبیل رفاها در عین آنکه تأیید دیگری بر صحت و درستق کامل مشی مرحله ای ما بود متقابلا میتوانست در ادامه تکاملی این راه، یعنی برافراشته تر شدن پرچم مبارزه لیدرولوزیک در درون سازمان و رسیدن به انسجام و وحدت عمیق تر سازمانی نقش قابل اهمیتی ایفا نماید . . .

مرحله جدید مبارزه ایدئولوژیک و وظائف سازمانی
مرحله :

رفقا : ما امروز میتوانیم با اطمینان خاطر بگوئیم که گرایش انحرافی سوم، اپورتونیسیم چپ نمای صلطه طلب هاگهن بهیچوجه گرایش غالب و تهدید کننده ای نیست . این گرایش در این دوره از مبارزه ایدئولوژیک به شدت سرکوب شده است . بطوریکه جز عناصر بسیار ضعیف و غرضه ای که دیگر در چلوسن

شرایطی امکان ظهور و بروز ندارند چیز دیگری از آنها باقی نمانده است. همچنین گرایش انحرافی دوم با اینکه هنوز در گوشه و کنار آثار و عوارضی از خود بروز میدهد اما خود بالذاته هرآنچه در کنار گرایش اول و سوم قرار نگیرد نمیتواند حالت فعالی بخود گرفته و نیروی قابل توجهی را تشکیل دهد. از اینجهت آنچه که در مقابل ما قرار میگیرد گرایش انحرافی است که آنرا با خصوصیت دکماتیسیم مذکور مشخص این کردیم.

دقتاً ما اکنون قادر شدیم تا از مواضع مستحکم تری که در اثر گرداندن یک دوره توأم با موفقیت مبارزه ایدئولوژیک بدست آورده ایم با مسائل و ضعفهای موجود که بخصوص پارتی و تکامل سازمان اشکال و جلوه های جدیدی از آنها در مقابل چشم قرار گرفته برخوردار شویم. مخصوصاً چشم اندازهای بسیار وسیعتری که برای گسترش ابعاد مبارزه ایدئولوژیک در مقابل

ما قرار گرفته هرچه بیشتر ما را به اجرای فوریتها و طوایف انقلابیمان فرا میخواند. ایما و زمینه ها - بی که در ابتدا احتی در تصور ما از آینده بسیار دور تر هم نمیکشید و وقتی که ما در یکسال و نیم پیش "مبارزه ایدئولوژیک" را بعنوان اصلیترین محتوی آموزشی این مرحله مطرح ساختیم آنچه که پیشتر در واقع همه آنچه که در ابتدا مد نظر ما بود - دراختن به آنسوی از صعایب و اشکالاتی بود که بنظر ما مستقیم از نو زندگی طبقاتی برگزیده ما و ترکیب روشنفکری سازمان ناشی شده و طبیعتاً بر عمل سیاسی و تشکیلاتی ما اثر سوء میگذشت.

ما در صد این بودیم که علیه این معلیبات و آثار سوء مبارزه ای را صادرانه آغاز کنیم. این مبارزه آغاز شد و نتایج مثبت قابل توجهی بیار آورد. اما این مبارزه بنا بر خلصت انقلابیست در همین محدوده متوقف نشده بطوریکه ما در طی این جریان توانستیم بسیاری از ضعفهای خود را که جنبه روحیاتی

آرشیو اسناد بنامان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

ایدئولوژیک و حتی فلسفی داشتند در میان هم.
 این ضعفها نیز در واقع وجه دیگری از وابستگی
 طبقاتی ما را تشکیل میدادند و در واقع علیرغم اینکه
 در اشکال روبنائی و عقیدتی ظاهر میشدند باز هم از
 زندگی خرد به روبنائی گذشته ما جدا نبودند. اما
 بلحاظ اشکال و ظواهر مورد پسندی که این معایب از
 نظر آغشته شدن به یک سری اصطلاحات و پوشش‌های
 با اصطلاح علمی و تجربی پیدا کرده بودند. شناختن
 عمیق و ریشه‌ای آنها و همچنین اشکال صحیح مبارزه
 با آنها بسیار دشوار تر و محتاج کوشش و صداقت
 بسیار بیشتری بود. (۱)

این ابعاد اکنون برای ما بوضوح آشکار گشته‌اند
 بطوریکه ما میتوانیم با قاطعیت تمام رو به در یک دوره
 تحول کیفی جدید در مبارزه ایدئولوژیک را که خصوصاً
 صحت مبارزه آن، مبارزه اصولی با روبناها و اقتدار
 ارتجاعی مبارزه با اصول روبنائی ایدئولوژیهای غیر
 پرولتری متعلق به طبقات روبرو انحطاط‌جامعه‌هاست.

اعلام داریم .

به این قرار اگر تا در روز اختلاء و صفای
 باطن سن سازمان موقوف به مبارزه ایدئولوژیک
 در زمینه‌های سیاسی - تشکیلاتی بود و اگر تنها
 در روز ما توانستیم مبارزه این ابعاد را تا نایل به
 پیروزیهای قابل قبولی در سرانجام برسانیم -
 امروز در چنین پایگاهی از آگاهی و صداقت
 انقلابی و در چنین موضعی از همبستگی تشکیلاتی
 لحظه‌ای در ادامه این راه و در ادامه مبارزه ایدئو-
 لوجیک در همه ابعاد سیاسی - تشکیلاتی و اکنون
 فلسفی آن تردید نخواهیم کرد .

(۱) مسئولین میباید این قسمت از مقاله
 راه‌های آن دسته از رفقای که در همه
 تحلیل انتقادی نقطه نظرهای گذشته ما از صیان
 نبوده‌اند بطور جامعی توضیح دهند .

درک چنین مرحله حساسی از ارتقاء مبارزه
ایدئولوژیک در درون سازمان، وظائف بسیار شور
انگیزی در مقابل تمام رزندگان امروز سازمان، در
مقابل تمام رقاباتی که صادقانه کمر به خدمت خلق
بسته اند قرار می دهند. چرا که اکنون درست در
آستانه تحولی قرار گرفته ایم که می تواند تمام تاریخ
و حیات سیاسی - ایدئولوژیک سازمان ما را دچار
تغییرات شگرف و دگرگونی های انقلابی خود نماید.
پیاده این چنین شرایط نویینی از یک تحول در
انقلابی در درون سازمان، مسلماً وظائف بسیار
حساسی در مقابل ما قرار می دهد.

اما در میان این وظائف، اصلیتین وظیفه می-
چون در ابتدای این مرحله کما صحت؟
این وظیفه بطور کلی در مبارزه همه جانبه،
به کبر و آشتی ناپذیر با تمام پایه های سیاسی -
تشکیلاتی و مخصوص اکنون عقیده نو و فلسفی ایدئوآل -
ایم بر پایه آلیسم در هر شکل ممکن آن خلاصه

ارسیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

میشود. این وظیفه ای است که اجرای استوار
آن فصل بسیار شورانگیزی در تاریخ حیات سازمان
ما باز میکند.

اما در ابتدای این راه با چه موانعی بطور
اساسی روبرو هستیم؟

اولین تجربیات سازمانی ما در مرحله جدید
مبارزه ایدئولوژیک، نشان می دهد که دکواتیمم ضد
عیمی و عناصری که آنها را با گرایش انحرافی اول
منحصر ساختیم، در تدارک مقاومت با اصطلاح
پایدار جدیدی هستند. این مقاومت را بدلیل
همان نیرویی که احتضار استمرک ظاهر مبارزه
بدلیل همان نیرویی که از نابودی و وحشت سرک
بیار می آورد، با یه بسیار جدی گرفت.

آنان خیره های شناخته شده و کهنه سیاسی
- تشکیلاتی و ایدئولوژیک خود را بازم در آ-
ستین دارند. (۱)

(۱) مثلا حربه معروف سیاسی آنها همواره دور این محور دوران دارد که گویا توده ها فقط باعتبار نظرات و تمسح ایده آلستی آنها که تنها نماینده تفکر قشرهایی از طبقات متوسط است به مبارزه گشایند می شوند. آنان نا آگاهانه و گاه مغرضانه انگیزه های محسوس و طبقاتی خود را به تمام طبقات حتی خلقی - تحریم می دهند. آنها اینطور تبلیغ میکنند که راه مبارزه تنها از کانال تفکرایدولوژی آنها میگذرد. ایدر واقع ایدر آنان طبقات زحمتکار خلق را بسان ربه هایی از گوسفندان رنگارنگ تصور می نمایند که باید با "کش" چوپانان بسه سمت قل دور دست و . . . به حرکت در بیایند و تازه این گوسفندان تنها و تنها به "گوسفندان" چوپان خودشان عادت دارند . . .

و تا رسا هستند اما آنان از روی نا ایدستی آنستون تلاشهایشان را انجام می دهند .

آنان که تا دیروز چون ماری افسرده از انجمنان شرایط در حالیکه زهرشان آرام آرام در بدن سازمان فرو و در بخت مرد می نمودند، اکنون با تامل و در شدن آتش مبارزه ایدر تلوویک ها صریح یولادینس که بر مغز متعجب آنان فرو می آید، آهسته آهسته سر بلند میکنند. چشمان خوار آلود خود را در اطراف اف به نیال طعم می بردند و می کردند و زیستان مسوومان را برای گزیدن از دهان بیرون می آورند. رقتا: مبارزه با این دکامتیس امروز در مسکو اول دکامتیس نهایی، امروز به بزرگترین مانسح تامل سازمان به بزرگترین هدف حمله مبارزه ایدر تلوویک و بزرگترین پایگاه ارتجاع و فساد در داخل سازمان تبدیل شده است. از اینجهت با تصمیم نیروهایمان چنین گرایش را با محابا مورد خطبه

قرار دهید.

پناهگاههای پوسیده و نمناک آنانرا در گوشه
 و کنار سازمان در زوایای تاریک بحشها و نظرات
 در پهنات جملات خون رنگ و جلا و مقالات پر -
 طعناقی ، و در پس تعمقات فلسفی ! و ترمیمهای
 با اصطلاح علمی کشف کنید . آنانرا از پناه
 نگاههایشان بدون بکشید . افزاینشان سازید و
 با قاطعیت تمام گلوله های آتشین ایدئولوژیک
 خود را بر آنها فرو بارید .

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX
 XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX
 XXXXXXXXXXXXXXXX
 XXXXXXXXXXXXX
 XXXXXXXX
 XXXXX
 XXX
 X